

تعاونی‌ها و نقشی آن در اقتصاد یشوف

جواد حیران‌نیا*

۱۲۳

چکیده

مقاله حاضر به تشریح شیوه‌های حیات اقتصادی یهودیان در سرزمین‌های اشغالی می‌پردازد. پرسش اصلی نویسنده این است که چه عامل و ساز و کاری مهاجرین یهودی را کمک کرد تا بتوانند به رفع نیازهای اولیه خود اقدام کرده، اندوخته‌ای را برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف تجاری، بازرگانی دست و پا کنند. نویسنده پس از توضیح فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی، اقتصاد یشوف و کیبوتص و موشاو بدین جمع‌بندی می‌رسد که سرمایه داران یهودی در اقصی نقاط جهان با تمهیدات مالی ضروری موفق شدند تا اولاً مهاجرین تازه‌وارد به سرزمین‌های اشغالی را ماندگار کنند و زمینه را برای ورود مهاجرین جدید مهیا سازند، ثانیاً سرمایه داران یهودی، اصل کشاورزی و سکونت در سرزمین‌های اشغالی را به مثابه سیاستی برتر برای تثبیت جمعیت یهود اختیار کرده، کمک شایانی به تولد رژیم صهیونیستی اسرائیل نمودند.

واژگان کلیدی: یشوف، کیبوتص، تعاونی، روچیلد، موشاو، اقتصاد کشاورزی، مهاجرین یهودی.

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس مسایل خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۴ - ۱۲۳.

جامعه یهودیان پیش از تشکیل رژیم اسراییل مبتنی بر شرایط خاص حاکم بر فلسطین و خواست ها و نیات صهیونیسم بود. نوع جامعه‌ای که صهیونیست ها خواستار تحقق آن در فلسطین بودند سبب ایجاد یک ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ممتاز و منحصر بفرد در بین یهودیان یشوف (جامعه یهود پیش از تشکیل دولت) (Yishuv) می‌شود. یشوف یک سیستم بسته سیاسی را بوجود آورده بود که کلیه مسائل اعم از بودجه، مسأله مهاجرت یهودیان به فلسطین، مکان‌های اسکان مهاجرین و مشاغل را در اختیار داشت. در این ساختار رابطه‌ای قوی بین اقتصاد و سیاست وجود داشت و این رابطه بعد از تشکیل دولت در سال ۱۹۴۸ نیز حفظ شد. در واقع ساختارهای سیاسی و اقتصادی ایجاد شده در یشوف پاسخگوی نیازهای جنبش صهیونیسم به شمار می‌روند و بر این اساس یک سیستم سیاسی-اقتصادی توسعه یافته و کارآمد بوجود آمده بود که پیروزی در جنگ موسوم به استقلال و گذار سریع به مرحله دولت، نشان از توانایی این سیستم داشت.

علاقه یهودیان به تشکیلات سیاسی جنبش صهیونیستی و تشکیل دولت یهودی در فلسطین به تحرک مهاجرت یهودیان و خرید و تصرف زمین انجامید. خرید و تصرف اراضی علاوه بر تقابل سیاسی، باعث تقابل اقتصادی یهودیان و اعراب شد. به دنبال مهاجرت‌های گسترده و خرید و تصرف اراضی، مطابق با اهداف صهیونیست ها، ماهیت برنامه‌های صهیونیستی برای اعراب آشکارتر می‌شد. خرید و تصرف اراضی سبب می‌شد که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی اعراب رو به انحطاط رود، ضمن آنکه جایگاه اعراب را از دهقانی به پرولتاریا تغییر داد. ایدئولوژی کار عبری نیز عرصه را بر کشاورزان عرب که بر زمین‌های اجاره‌ای کار می‌کردند، تنگ‌تر کرد. همین مسائل سبب مهاجرت اعراب از محل سکونتشان می‌شد که متعاقباً ترکیب و بافت جمعیتی اعراب و یهود را به نفع یهودیان تغییر می‌داد. صهیونیست‌ها برای پیشبرد اهداف خود، به کارگران یهودی دستمزد بیشتری می‌دادند. تشکیلات صهیونیستی با کمک‌های مالی، خدمات اجتماعی و تأمین اراضی برای مهاجران، کمک زیادی به جنبش کارگری یهود کرد. به گونه‌ای دیالکتیک، جنبش کارگری طی یک دوره طولانی بر سیاست‌های صهیونیستی تأثیری تعیین کننده داشت. تحقق

این مسأله را در هویت تجمع‌گرایی (کلکتیویسم) و ایدئولوژی سوسیالیستی حاکم می‌توان مشاهده کرد.

اگر پیدایش تعاونی‌ها در اسرائیل را به مبارزه علیه اجحاف‌های سرمایه‌داری نسبت دهیم، از علل اصلی غافل مانده‌ایم. در واقع در مورد اسرائیل، پدیده تعاون، زاینده عوامل ایدئولوژیک، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و حتی مذهبی است.

الف. عوامل دخیل در پیدایش تعاونی‌ها در جامعه یشوف

۱۲۵

در میان عوامل مختلفی که موجب پیدایش تعاونی‌ها در جامعه یشوف یا جامعه یهود پیش از تشکیل دولت شده‌اند می‌توان به عوامل سیاسی و ایدئولوژیک ناشی از مهاجرت یهودیانی با دیدگاه‌های سوسیالیستی و عوامل مذهبی اشاره کرد.

الف. عوامل سیاسی و ایدئولوژیک

زمانی که مسأله ورود مهاجرین به فلسطین حالت انبوه به خود گرفت و به صورت نهضت وسیعی براساس آموزه‌های صهیونیست درآمد، موضوع ازدیاد نفوس به شکلی جلوه‌گر شد که ظرف مدت کوتاهی می‌بایست به چندین برابر افزایش یابد. بنابراین تعاونی‌ها و اسکان‌های اشتراکی بدین منظور شکل گرفتند و ضمن رونق به اقتصاد یهود، توانستند در جابجا نمودن هر چه زودتر مهاجرین مؤثر واقع شده، باعث پیشرفت‌های سریعی در وضع یهودیان شوند. همکاری در مسائل اقتصادی بر تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های اجتماعی یهودیان تأثیرگذار بود و در ایجاد یک هماهنگی و نظم و هویت بخشی به آنها مؤثر واقع شد. از همین جهت بود که جنبش‌های تعاونی محلی یکی پس از دیگری شکل گرفت و امور تولیدی فلسطین را که براساس تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید استوار شده بود، به اختیار خود گرفت و پا به پای توسعه این نهضت در شهرها و مناطق روستایی این شرکت‌های تعاونی به منظور بالا بردن درآمد عمومی و ارتقاء قدرت خرید مردم و ترفیع حال یهودیان چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی عهده‌دار گردیدند. از اولین اقدامات در جهت تشویق مهاجرت یهودیان به فلسطین، می‌توان به مسافرت

یک انگلیسی به نام سِر مونس مونتِه فیور (۱۸۸۵-۱۷۸۴) به فلسطین اشاره کرد. او تمام تلاش خود را صرف تشویق مهاجرین یهود به فلسطین کرد. در سال ۱۸۵۶، بعد از گرفتن اراضی اورشلیم و یافا، اولین مؤسسه کشاورزی سرزمین مقدس بنام «نارنجستان مونتِه فیور» ایجاد می‌شود. در سال ۱۸۷۰ میلادی مدرسه کشاورزی مهمی بنام «میکده اسراییل» در یافا تشکیل می‌شود. این مدرسه که ثمره کوشش اتحادیه اسراییلی جهانی بود، به زودی اعتبار زیادی پیدا کرد.^۱ مکتب صهیونیسم توسط «موئیز هس»، دوست قدیمی کارل مارکس و فریدریک انگلس، شکل گرفت.^۲ کتاب «رم و اورشلیم» اثر هس که در سال ۱۸۶۲ میلادی منتشر گردید، اولین تجزیه و تحلیل اصول ناسیونالیسم یهود است. از جمله آثار حائز اهمیت دیگر در مورد مسأله یهود اثر دکتر پینسکر به نام خود آزادی است که از جمله اولین آثاری است که مسأله یهود را به شکل جدی مطرح می‌کند. او سخت خواستار گرد آمدن انجمنی از سرشناسان یهود، که به عقیده او مقدمه لازمی برای استقرار اقلیت‌های روستایی است، می‌شود و رستگاری ملتش را در رهایی از قیمومیت ملل دیگر می‌داند و معتقد است که این آزادی می‌باید ثمره تلاش خود ملت یهود باشد. در جواب ندای پینسکر نهضت هووه صیون در روسیه ظهور کرد که شعارش مستقر شدن فوری در فلسطین بود.^۳ هرتزل، بانی صهیونیسم سیاسی، در کتاب خود، اندیشه یک جنبش تعاونی را در دولت آینده یهود، ابراز نمود. او می‌گوید: مثلاً من فرمول جالبی دارم. کارگران کارخانه من یک تعاونی تشکیل داده‌اند که روز به روز مستقل تر می‌گردد. ابتدا یک تعاونی مصرف بوجود آورده‌اند و بعد یک صندوق بیمه. بدین ترتیب اعضای جدید در مقابل حوادث، امراض، پیری و مرگ بیمه هستند. پرشورترین مبلغین این نهضت، از میان دانشجویانی که بنیان‌گذاران گروه بیلو بودند، برخاستند.^۴ این جمعیت‌ها مسأله اسکان یهودیان در فلسطین را به عنوان یک احتمال عملی پیش کشیدند و سعی کردند زبان عبری را احیا کنند و آنرا به عنوان زبان اکثریت یهودیان جانشین سازند.^۵

جنبش بیلو در سال ۱۸۸۲ موفق شد بیست یهودی استعمارگر را به فلسطین بفرستد و به این وسیله بنای اولین مهاجرت صهیونیستی را بگذارد. این عده بعدها چند روستای عرب را به مستعمره‌های صهیونیستی تبدیل کردند مثل عیون قاره که آنرا ریشون لتسیون نامیدند و ملبس،

که پتخ تکوا و زمارین، که زیشرون یاکوب نامیده شد. همین مستعمرات بعدها بنیانگذار مراکز اصلی استعمار زراعی صهیونیستی را پی‌ریزی کردند.^۶

بزودی مشکلات بی‌شماری، امید گروه بیلو را به یأس تبدیل نمود. آنها بطور کامل از شیوه‌های کشاورزی بی اطلاع بودند و به آب و هوا و زندگی در این مناطق کم آب عادت نداشتند و اگر کمک معجزه‌آسای بارون ادموند دو روچیلد نبود، آنها را از پیش بردن مقاصدشان باز می‌داشت. در اواخر قرن نوزدهم، هنگامی که نهضت هووه صیون جایش را به صهیونیسم سیاسی هرترزل می‌داد، قریب پنجاه هزار یهودی در فلسطین مستقر شده بودند. از این عده فقط سه هزار نفر از پیشگامان توانستند شرایط زندگی در مزارع اشتراکی و تعاونی را تحمل کنند.

تعاون و ایجاد اسکان‌های اشتراکی در اسرائیل زاینده شرایط و واقعیات فرهنگ اجتماعی مهاجرین و شرایط محیطی و اهداف صهیونیسم بود. تعاون در اسرائیل علاوه بر تأمین نیازهای اولیه یهودیان چه قبل و چه بعد از تأسیس دولت عامل مهمی در ایجاد هویت جمعی بود. تعاون ضمن انسجام بخشیدن به یهودیان، دغدغه‌های تازه واردان از جمله مسکن و اشتغال و امنیت را نیز تأمین می‌کرد. لذا خدمات تعاونی تنها در چارچوب رفع نیازمندی‌های روزانه محدود نبود بلکه به عنوان ابزاری برای ارتقاء اطلاعات و معلومات اجتماعی، سطح فرهنگ جامعه و تحکیم و تقویت توان مادی و مصنوعی عمل می‌کرد.

تأثیر مهاجرت یهودیان بر شکل‌گیری اقتصاد تعاونی یشوف

مهاجرت و مسأله اسکان مهاجرین از مسائل مورد توجه و با اهمیت برای جنبش صهیونیستی‌ای بود که بعد از جنگ جهانی اول شروع به بازسازی تشکیلات و سازمانش کرده‌بود. مهاجرینی که فرهنگ محل سکونتشان را به همراه داشتند، اگر چه براساس آموزه‌های صهیونیسم، یک ملت واحد بودند، اما واقعیت غیر از این بود. اگر چه مهاجرین به لحاظ مذهب یهود یکسان بودند ولی به لحاظ فرهنگی، ناهمگون و نامتجانس بودند. تعاون و اشتراک در فعالیت‌ها و تعریف هدف مشترک براساس تعاون، می‌توانست هویت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را در کنار هم قرار دهد و آنها را نسبت به زندگی و آینده امیدوار سازد.

آغاز بازگشت یهودیان به فلسطین ریشه در سه عامل داشت: ۱. عشق و علاقه و شیفتگی طولانی مدت یهودیان به سرزمین تاریخی خود (براساس آموزه‌های کتاب مقدس)، ۲. تشدید ناامنی برای یهودیان در کشورهای محل سکونتشان و ۳. تلاش‌های گروهی از یهودیان که معتقد بودند بازگشت به وطن تنها راه حل اساسی و پایدار برای مشکل یهود است.^۷

اولین مهاجرت گسترده یهودیان (آلیای اول) که عمدتاً از روسیه و رومانی بودند شامل پیشاهنگانی موسوم به دوستداران صهیون بود.^۸ این موج مهاجرت سبب شد جمعیت یهودیان فلسطین بین سال‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۸۴ به دو برابر افزایش یابد. در این دوره بالغ بر ۲۰ هزار یهودی به فلسطین مهاجرت کردند. این مهاجران دیدگاه‌ها و عقاید متفاوتی داشتند. برخی به ایدئولوژی سکولار معتقد بودند، برخی که اکثریت را تشکیل می‌دادند دیدگاه ناسیونالیستی داشتند و گروه باقیمانده را معتقدان ملی-مذهبی تشکیل می‌دادند. به رغم دیدگاه‌ها و ایدئولوژی متفاوت در بین آنها، تمام این گروه‌های فکری معتقد بود که یهودیان می‌بایستی به اسرائیل برگردند و بوسیله کشاورزی وضعیت خود را سر و سامان دهند.^۹

ولی عواملی پیش بردن چنین اندیشه‌ای را با مشکل مواجه می‌ساخت: اول اینکه مهاجرین فاقد تجربه کشاورزی بودند و دوم، فلسطین سرزمینی به لحاظ جغرافیایی بیابانی بود که این مسأله کشاورزی را با مشکل مواجه می‌ساخت. ساختار سیاسی و اقتصادی و اداری فلسطین هم که بخشی از امپراطوری عثمانی بود، ساختاری از کار افتاده بود و اقتصاد آن مبتنی بر سیستم کشاورزی ابتدایی بود. اسکان‌های تعاونی یا آبادی‌های کشاورزی که از سوی پیشاهنگان در ابتدا به وجود آمده بود، با موفقیت روبرو نشد. در این دوران کمک‌های بارون ادمنوند دو روچیلد نجات دهنده بود، به طوری که روچیلد فقط ۱۶۰۰۰۰۰ پوند از سال ۱۸۸۴ تا ۱۹۰۰ برای خرید زمین و ساخت و ساز هزینه کرد. او کارخانه‌های متعددی از جمله شراب‌سازی، تولید ابریشم و تولید شیشه و شرکت‌های آب را تأسیس کرد و تا سال ۱۹۱۴ زمین‌هایی که از سوی روچیلد خریداری شد ۵۸ درصد کل زمین‌های خریداری شده از سوی یهودیان بود. در صورتی که سازمان‌های صهیونیستی فقط ۴ درصد از زمین‌ها را خریداری کرده بودند. تا سال ۱۹۱۴ کل کمک‌های روچیلد برای کمک به اسکان و اقامت یهودیان ۱۰ میلیون پوند (انگلیس) تخمین زده می‌شود.^{۱۰}

ژوزف بارتس نویسنده کتاب دهکده ای در کنار اردن که خود از اولین مهاجران یهودی براساس طرح صهیونیست ها می باشد، در خصوص کمک های روچیلد عنوان می کند که اگر کمک او [روچیلد] نبود مهاجران حتی قادر به زنده ماندن هم نبودند و به یمن کمک های روچیلد بود که آنها توانستند راه خوشبختی را بیمایند و امروز ریشون بتواند بصورت شهر کوچک و خوشبختی جلوه کند.^{۱۱}

در این اثنا سازمان جهانی صهیونیست (WZO) در سال ۱۸۹۷ بوجود آمد. این سازمان در سال ۱۸۹۹ به تأسیس یک بانک صهیونیستی به نام تراست مستعمراتی یهود اقدام کرد. در سال ۱۹۰۱ این سازمان، صندوق ملی یهود موسوم به کرن کایمتر/ برای خرید زمین تأسیس کرد. از جمله اقدامات دیگر سازمان WZO ایجاد دفتر فلسطین در سال ۱۹۰۸ و کمپانی برای توسعه و رشد زراعی در فلسطین در سال ۱۹۰۸ می باشد.^{۱۲}

صندوق یهودی اسکان، نخستین مؤسسه مالی سازمان صهیونیستی است که ایده ایجاد آن در کنگره اول صهیونیست ها (۱۸۹۷) مطرح و در کنگره دوم (۱۸۹۸) تصویب شد و در سال ۱۸۹۹ در لندن به ثبت رسید و بالاخره در سال ۱۹۰۲ با سرمایه دو میلیون پوند انگلیس آغاز به کار کرد. این صندوق به طور عمده با هدف گسترش اسکان یهود در فلسطین ایجاد شد، اما هرترل قصد داشت از آن به عنوان وسیله ای برای جلب موافقت دولت عثمانی با ایجاد وطن ملی یهود در فلسطین از طریق دادن وام کلانی به این دولت به منظور پرداخت بدهی هایش استفاده کند.^{۱۳}

کرن کایمت می بایست در فلسطین، سوریه و دیگر مناطق ترکیه در آسیا و شبه جزیره سینا زمین خریداری کند. هدف صندوق خرید قطعی (فک زمین) در فلسطین به عنوان دارایی انتقال ناپذیر مردم یهود بود. مدیر این صندوق، آبراهام گرانوفسکی از خرید قطعی زمین به عنوان حیاتی ترین عمل در راه تأمین فلسطین یهودی یاد می کند.^{۱۴}

تأثیر مهاجرت پنجم یهودیان بر اقتصاد سیاسی یشوف

پنجمین موج مهاجرت عمده یهودیان بر اساس طرح صهیونیست ها در سال ۱۹۲۹

شروع شد و در سال ۱۹۳۲ به اوج خود رسید. این مهاجران که عمدتاً از آلمان بودند صاحب سرمایه بودند و علاوه بر سرمایه، نیروی انسانی کارآمد و ماهر را به جامعه وارد کردند. در طول دهه ۱۹۲۰، رهبران سازمان کار یهود، تلاش کردند کار در بخش‌های یهودی برای اعضا سازمان کار حفظ گردد. و در همان زمان ماهیت ملی، منازعه در بازار کار مشخص شد. برای نمونه در میثاق حزب پرولتاریای یهود پیشنهاد سیاسی ارائه شده به نمایندگان مبتنی بر ایده جدایی یهودیان از اعراب بود و آینده توسعه کشور را در جدایی جمعیت یهود از عرب می‌دید. از این رو راهبردی که در دستور کار قرار گرفت و از آن حمایت شد عبارت بود از تفکیک نژادی و توسعه اقتصاد شبه ملی یهود. این فرآیند و استراتژی با مهاجرت مهاجران آلمانی در آلیای پنجم که توانسته بود سرمایه را وارد جامعه کند، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت.

کار عبری در سیستم اقتصاد تعاونی یشوف

چه قبل و چه بعد از اولین مهاجرت یهودیان (آلیای اول)، اقتصاد یشوف عمدتاً بر پایه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، و مبتنی بر سیستم بازار آزاد و کمک‌های شخصی بارون روچیلد بود. مهاجران اولین آلیا نتوانسته بودند یک نهاد مرکزی برای تمام ساکنان یهود ایجاد کنند. کشاورزان برای تأثیرگذاری بر سیستم سیاسی موجود در سازمان‌های صهیونیستی، مشکل داشتند. اقتصاد آنها تنها متأثر از معیارها و اصول صرف اقتصادی بود. استفاده از کارگر عرب که به لحاظ اقتصادی ارزانتر از کارگر یهودی بود، نیز قابل توجه شد. بنابراین مهاجران استعمارگرانی بودند که کارگران ارزان قیمت عرب را استعمار می‌کردند. آنچه که بر اقتصاد سیاسی یشوف و تشکیل تعاونی‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت اعتقادات و آموزه‌های مهاجران آلیای دوم به فلسطین بود. بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۳ حدود ۳۵ هزار یهودی به سرزمین فلسطین آمدند که عمدتاً روس بودند. این موج دوم مهاجرت، شامل پیشاهنگان جوانی می‌شد که بسیاری از آنها گرایش‌های ایدئولوژیک سوسیالیستی داشتند و درصدد ایجاد مزارعی براساس اصول اشتراکی و تعاونی برآمدند و این مزارع تعاونی، کیبوتص نامیدند. از آن پس یشوف دارای نیرویی واحد، پیشرو و خود مختار شد.^{۱۵}

این مهاجران شدیداً با استفاده از کارگر عرب در بخش‌های اقتصادی یشوف مخالفت می‌کردند. زیرا از یک طرف آنها در بدست آوردن شغل با مشکل مواجه بودند و از طرف دیگر استفاده از کارگر عرب بازاری رقابتی در میان کارگران بوجود می‌آورد که با اهداف و غایت سوسیالیستی و صهیونیستی آنها منافات داشت.

این مهاجران برای رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود ساز و کارهای سیاسی برای تأثیرگذاری و تغییر در ساختار یشوف ایجاد کردند، آنها معتقد بودند که بین مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همپوشانی وجود دارد. طی همین سال‌ها سازمان جهانی صهیونیسم در فلسطین فعالیت خود را آغاز می‌کند.

مهاجرین این دوره اغلب از مؤسسين اولین کيبوتص‌هایی بودند که در آن زمان بوجود آمده بود.^{۱۶} این افراد در ابتدای ورود خود به فلسطین با مشکلات زیادی مواجه شدند و تصمیم گرفتند بطور اشتراکی زندگی کنند و دارای صندوق تعاونی گردند و بالاخره در سال ۱۹۱۱ بود که اولین کيبوتص به نام دگانیا به معنی گل گندم در شمال اسراییل و بوسیله ۱۲ نفر رسماً تأسیس شد.

از آنجا که کيبوتص‌ها بدون حمایت مؤسسه‌های مختلف نمی‌توانستند به کار خود ادامه دهند مجبور بودند از مؤسسه‌های دیگر کمک بگیرند. مؤسسه کرن کایمت له اسراییل قبول کرد که زمین مورد نیاز آنها را خریداری و مؤسسه دیگری بنام کرن هایسود لوازم مورد نیاز آنها را تهیه نماید.^{۱۷}

چون کيبوتص‌ها بر روی زمینی که از طرف صندوق ملی یهود به آنها اختصاص داده شده بر پا گشته‌اند و سرمایه اولیه را نیز از این سازمان دریافت می‌کنند، لذا کيبوتص به عنوان یک گروه طرفدار سازمان جهانی صهیونیسم به حساب می‌آید. کيبوتص‌هایی هم که بعداً ایجاد شدند از اصل کمک گرفتن از مؤسسات مستثنی نبودند. چون کيبوتص‌های جدید را مهاجرین بی تجربه در مناطق بیابانی تأسیس می‌کردند، برای تهیه تجهیزات اولیه، اجباراً مجبور به اخذ وام می‌شدند. برای تهیه وسایل تولید و برخورداری از نیروی آب و برق کافی و بالاخره برای تأمین سطح اقتصادی مزرعه، روستاها محتاج سرمایه‌های بسیاری هستند. در سال ۱۹۶۲ میلادی

سرمایه‌گذاری سرانه کیبوتص‌ها ۴۰۸۰۰۰ فرانک بلژیک بوده است. سرمایه کیبوتص در سال ۱۹۳۰ میلادی، از طریق اعانه‌های آژانس یهود تأمین می‌شد. بعدها این آژانس وام‌های ۳۰ الی ۴۰ ساله با بهره سالانه ۲٪ در اختیار کیبوتص‌ها می‌گذاشت. در سال ۱۹۳۵ میلادی، مهلت وام به ۲۵ سال کاهش داده شد، در حالیکه بهره سالانه به ۴٪ افزایش یافت. در سال ۱۹۴۸ میلادی، مهلت وام ۳۰ سال و بهره سالانه بین ۳ الی ۴ درصد تعیین گردید.^{۱۸}

بنابراین با ورود مهاجران آلیای دوم دو دکتربین وارد نظام اقتصاد تعاونی یشوف می‌شود: دکتربین اول مربوط به استفاده از کار عبری برای ایجاد یک اقتصاد خودکفای یهودی بود که در آن رقابتی با کارگران ارزان قیمت، مطیع و ماهر عرب نخواهد داشت. دکتربین دوم ایجاد یک چارچوب اشتراکی و تعاونی برای کمک به جامعه تازه بوجود آمده را مطرح می‌کند. از این رو این مهاجرین و پیشاهنگان با نهضت صهیونیسم متحد و همگام گردیدند و برای تحقق آمال خویش دست به دست یکدیگر دادند.

مهاجرانی که سال ۱۹۰۵ به اسرائیل آمدند، اعضای اولیه حزب پوعله لصیون را تشکیل می‌دادند که شروع به ایجاد تشکیلات کارگری کردند و در سال ۱۹۱۲ موفق به تشکیل صندوق کارگران اسرائیل و مجمع تولید کنندگان شدند. از آن پس نهضت پوعله لصیون سعی کرد اعضای کافی در بین طبقات پرولتاریای یهود را جمع‌آوری کرده و تشکیلاتی که به سوسیالیسم بیش از ناسیونالیسم نزدیک باشد، ترتیب دهد.^{۱۹}

در مقابل این نهضت هیوعل هتصاعیر یا کارگران جوان قرار داشت که از یهودیان طبقه متوسط روسیه تشکیل شده و یک جنبش ناسیونالیستی به شمار می‌رفت. بنیان این نهضت در سال ۱۹۰۶ در سرزمین‌های اشغالی نهاده شد. در سال ۱۹۱۱ این دو تشکیلات کارگری یک اتحادیه مشترک کشاورزی را در یهودا و در سال ۱۹۱۲ در جلیله برقرار کردند، تا اینکه بالاخره جنگ جهانی اول این دو نهضت را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک ساخت و باعث ائتلاف کلی آنها در سال ۱۹۱۹ و تشکیل کمیته‌ای بمنظور ایجاد اتحادیه عمومی کارگران اسرائیل گردید.^{۲۰}

پس از تأسیس اتحادیه کارگری موسوم به هیستادروت در سال ۱۹۲۰، سایر احزاب سیاسی اسرائیل نیز یکی پس از دیگری به این اتحادیه ملحق شدند. هیستادورت ایده‌های صهیونیستی را

با اهداف سوسیالیستی ترکیب نمود تا جامعه‌ای متشکل از زحمتکشان یهودی تاسیس کند. این سازمان خیلی زود به قدرت عمده اقتصادی در جامعه یهود فلسطین تبدیل و به طور جدا ناپذیری به حزب مابای ملحق شد.^{۲۱}

این حزب که در سال ۱۹۳۰ تأسیس شده بود، بزودی نه تنها جنبش کارگری، بلکه بازوی سیاسی جامعه یهودیان فلسطین در قبل از استقلال، یعنی آژانس یهود را تحت کنترل خود گرفت.^{۲۲} این سازمان کارگری براساس ایدئولوژی مؤسسان آن به مبارزه با کارگران عرب ادامه داد و شعار کار سازمان یافته از طریق سندیکا را به کار برد.^{۲۳}

هیستادروت علاوه بر اینکه تمام شبکه‌های تقریباً خود مختار در زمینه اقتصادی اعم از تعاونی‌ها، سازمان مرکزی و سندیکاها را بر می‌گرفت، نقش سرمایه‌دار، معامله‌گر، بانکدار، بیمه‌کننده و صاحب زمین را هم بازی می‌کرد و نوعی اجتماعی ایجاد کرده بود.^{۲۴}

ب. عوامل مذهبی

همان‌گونه که اشاره شد یهودیان به دلایل مختلف در جوامع محل سکونتشان ادغام نشدند. آنها خود را رانده‌شدگان از وطن می‌پنداشتند که می‌بایست زمانی گرد هم آیند و دوران شکوهمند گذشته قوم یهود را احیا کنند. امید بازگشت به صیون و تجدید بنای معبد بزرگ، اعتقاد و باور آنها بود. آنها در عبادات و نمازهای خود، برای بازگشت به وطن دعا می‌کردند. روزه عید فصح و روز آمرزش کبیر با این جمله پایان می‌گیرد: *سال دیگر در اورشلیم*.^{۲۵}

اولین تعاونی تولید در جامعه یشوف در سال ۱۹۱۰ میلادی در شهر تل آویو که در آن زمان دهکده بود، تشکیل گردید. چندی بعد در سال ۱۹۱۶ نخستین شرکت تعاونی مصرف به نام هاماشابیر تأسیس شد. رشد و شکوفایی نهضت تعاونی را می‌توان از سال ۱۹۲۰ به بعد دانست. زیرا تا آن زمان نهضت تعاونی اسرائیل فاقد هر گونه اساسنامه و آیین نامه بود. برای اولین مرتبه در سال ۱۹۲۰ میلادی مقرراتی جهت شرکت‌های تعاونی تدوین گردید که بعداً همین مقررات جای خود را به قانون تدوین یافته و تکمیل شده سال ۱۹۳۳ داد. [۲۶] از سال ۱۹۲۰ به بعد نهضت تعاونی مراحل ترقی خود را به سرعت طی نمود و آنچنان در زندگی مردم این سرزمین

[یهودیان] اثرات مطلوب برجای گذارد که در حال حاضر نقش مؤثری را در حیات اقتصادی و اجتماعی آنها ایفا می‌کند.

تعاونی‌های تولید

در اوائل قرن بیستم، در فلسطین، مبارزه‌ای علیه سرمایه‌داری در میان نبود، زیرا تقریباً سرمایه‌های شخصی وجود نداشت. بجای تغییر دادن نوع اقتصاد موجود، لازم بود اقتصاد نوینی پی‌ریزی گردد. در چنین شرایطی لزوم حتمی تشکیل تعاونی‌ها و در وهله اول تعاونی‌های تولید احساس گردید.

زمانی که مسأله ورود مهاجرین به فلسطین شدت گرفت و به صورت نهضت وسیعی براساس آموزه‌های صهیونیست درآمد، موضوع ازدیاد نفوس به شکلی جلوه‌گر شد که ظرف مدت کوتاهی می‌بایست به چندین برابر افزایش می‌یافت. بنابراین تعاونی‌ها بدین منظور شکل گرفتند و ضمن رونق بخشیدن به اقتصاد یهود، توانستند در جابجا نمودن هر چه زودتر مهاجرین مؤثر واقع شوند و پیشرفت‌های سریعی در وضع یهودیان ایجاد کنند. همکاری در مسائل اقتصادی بر تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های اجتماعی یهودیان تأثیر گذاشت و در ایجاد یک هماهنگی و نظم و هویت بخشی به آنها مؤثر واقع شد. به همین دلیل بود که جنبش‌های تعاونی محلی یکی پس از دیگری شروع به کار کرده و امور تولیدی فلسطین را که براساس تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید استوار شده است، به اختیار خود گرفتند.^{۲۷}

هرتزل، بانی صهیونیسم سیاسی در کتاب خود، اندیشه یک جنبش تعاونی را در دولت آینده یهود، مطرح نمود. او می‌گوید: مثلاً من فرمول جالبی دارم. کارگران کارخانه من یک تعاونی تشکیل داده‌اند که روز به روز مستقل‌تر می‌گردد. ابتدا یک تعاونی مصرف بوجود آورده‌اند و بعد یک صندوق بیمه. بدین ترتیب اعضای جدید در مقابل حوادث، امراض، پیری و مرگ بیمه هستند.^{۲۸}

کنگره صهیونیسم در سال ۱۹۰۸ میلادی به اتفاق آراء کشاورزی کردن فلسطین را بر پایه تعاونی و طبق برنامه پیشنهادی پروفیسور اوپنهاایمر تصویب کرد. تصمیماتی که در این کنگره

اتخاذ گردید عبارت بودند از:

مرحله اول: انتخاب آزادانه، تقسیم اراضی به مزارع کوچک شخصی و ایجاد تعاونی فروش تولیدات، کار مشترک در اراضی بصورت یک واحد و ایجاد تعاونی فروش تولیدات.
مرحله دوم: تبدیل اجتماع صرفاً کشاورزی به اجتماعی از کشاورزان، صنعتکاران، تجار و پیشه‌وران؛ صنعت و کشاورزی باید کاملاً ادغام شوند و تعاونی‌ها کلیه فعالیت‌ها را تنظیم نمایند.^{۲۹}

تعاونی‌های مصرف

۱۳۵

در عرض فعالیت‌های تولیدی، شرکت‌های تعاونی مصرف نیز در بیشتر نقاط سرزمین‌های اشغالی تشکیل گردید. همانطور که اشاره شد پیشاهنگان بیلو که در سال ۱۸۸۳ به سرزمین فلسطین قدم نهادند، از همان ایام طرفدار کار اجتماعی و تعاونی بودند و همیشه از این فکر و عقیده حمایت و جانبداری می‌کردند. آنها هدف خود را براساس همکاری و تشکیل سازمان‌های اجتماعی قرار داده و در این راه کوشش‌هایی را انجام دادند. اما کوشش‌های اولیه برای تأسیس یک شرکت تعاونی مصرف نتیجه رضایت بخشی نداد. زیرا تعداد یهودیانی که در آن زمان به فلسطین مهاجرت کردند چندان زیاد و قابل توجه نبود. از سوی دیگر آنها اکثراً جوان بودند و از لحاظ درآمدی در سطح پایینی قرار داشتند.

همزمان با اولین جنگ جهانی بود که تحت یک سلسله حوادث و فشارهای ناشی از آن هاماشابیر یا همان شرکت تعاونی و ذخیره و تدارک تولیداتی نظیر گندم و روغن و غیره در سال ۱۹۱۶ میلادی تأسیس شد.^{۳۰} این شرکت تعاونی امروزه به صورت یک عمده فروشی نیرومند فعالیت می‌کند.

مهمترین عاملی که بیش از هر چیزی می‌توانست به حل مسائل و مشکلات مهاجرت کمک کند و پاسخگوی مناسبی به ازدحام جمعیت مهاجرین باشد، اجرای یک سیستم تازه مسکن برای اسکان مهاجرینی بود که در ناحیه جنوب و در نقب، جلیله و در ارتفاعات بیت المقدس، ساکن می‌شدند. بنابراین تلاش فوق‌العاده‌ای برای تأسیس یک شرکت تعاونی مصرف انجام گرفت. به طوری که برای توده عظیمی از مردم که هر کدام از آنها در سرزمین خود دارای رسوم و

مقررات خاصی بودند قابل استفاده باشد و همه آنها را بتوان در یک چنین مجموعه‌ای جابجا کرد. با توجه به اوضاع و احوال و شرایط و واقعیات فرهنگی مهاجرین و سرزمین فلسطین، نهضت تعاونی نمی‌توانست به تأمین امور مصرفی مردم بویژه مهاجرین بی تفاوت باشد و صرفاً به جنبه تولیدی، تجاری و بازرگانی آن توجه نماید. لذا در آن ایام که این نهضت در کار رفع نیازمندی‌های روزانه مصرف‌کنندگان فعالیت خود را شروع نمود در کنار آن دست به یک سلسله فعالیت‌های اجتماعی زد و نهضت تعاونی را از نقطه نظر ارزش و اهمیت اجتماعی آن به مصرف‌کنندگان شناسانده و اهمیت توجه به این وظیفه را به اعضا تفهیم می‌نمود و در عین حال می‌کوشید کالای مورد نیاز و مصرفی اعضا را با توجه به کیفیت و قیمت عادلانه فراهم نموده، در دسترس مصرف‌کنندگان عضو قرار دهد. برای نیل به مقصود و انجام بی‌عیب و نقص این برنامه دولت نیز با نهضت تعاونی تشریک مساعی نمود و از آن پس پیروی از این رویه جزء خط مشی اقتصادی تعاونی به شمار رفت، به طوری که در پایان سال ۱۹۶۰ تعداد ۲۴۶ شرکت تعاونی مصرف و ۱۲۶ سازمان تعاونی دیگر از طریق ۱۰۲۳ شعبه موشاویم در اسرائیل مشغول فعالیت شدند. از این تعداد تعاونی مصرف، ۲۰۳ شرکت تعاونی وابسته به سازمان Merkaz Hacooperatzia، پنج شرکت مربوط به اعراب و ۲۱ شرکت تعاونی وابسته به نهضت مذهبیون اسرائیل و ۱۷ شرکت تعاونی مستقل که به هیچ سازمان مرکزی و غیره وابسته نبودند شروع به فعالیت کردند.^{۳۱}

به منظور استقرار عده‌ای از مردم و رفع نیازمندی‌های آنهایی که به دلیل داشتن اعتقادات مذهبی خواستار زندگی در جامعه واحدی بودند، شیوه‌های تولیدی و شغلی دیگری هم به کار گرفته شدند. عده‌ای برای مبارزه با گرانی اجاره‌بها، شرکت‌های ساختمانی را به صورت تعاونی بوجود آوردند. بانک کارگران که از مهمترین عوامل اقتصاد شرکت‌های تعاونی است برای تمام شعب اعتبارات لازم را تهیه و در اختیارشان قرار داد.^{۳۲}

استفاده از روش همکاری و تعاون کمک قابل ملاحظه‌ای به پیشرفت طبقه کارگر در جامعه یسوف نمود. همچنین سازمان‌های کشاورزی اسرائیل نیز از این موهبت بزرگ بهره کافی بردند. در این مرحله از پیشرفت و ترقی و در نتیجه عوامل ملی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی شکل تازه‌ای از نهضت تعاونی پدیدار شد.

با توجه به شرایط خاص یشوف آنچه می‌توان به عنوان بنیان‌های فکری غالب بر یشوف برشمرد عبارتند از:

۱. اعتقاد و باور به اینکه آبادی‌های مبتنی بر کشاورزی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی امری اساسی و ضروری است.

۲. سکونتگاه‌های جمعی (Communal Settlements) توان بقا در شرایط سخت فلسطین را دارا هستند از این رو ایجاد این گونه سکونت‌گاه‌ها باید در اولویت باشد.

۳. یک مدیریت مرکزی پدر سالارانه^(۱) براساس توافق بین پیشاهنگانی که خواهان اقامت هستند ولی ابزار و وسیله ندارند و پیشاهنگانی که خواهان توسعه و گسترش آبادی‌های کشاورزی و اداره آن هستند، ایجاد شود.

۴. مسأله مهاجرت و تبدیل اقلیت یهود به اکثریت در فلسطین و سیاست‌های مربوط به جذب و اسکان آنها در رأس اهداف یشوف قرار گیرد.

کیبوتص و موشاو از جمله تعاونی‌هایی هستند که در شکل دهی به اعتبار اشتراکی و تعاونی اسرائیل نقش مؤثری را داشتند.

کیبوتص

کیبوتص عبارت است از یک اجتماع داوطلبانه، که از یک سو بر پایه مالکیت، تولید و کار دسته جمعی قرار دارد و از سوی دیگر بر مصرف و زندگی مشترک استوار است. به عبارت دیگر کیبوتص به اجتماعی از افراد، زمین و سرمایه اطلاق می‌شود که به منظور تولید، توزیع و زندگی دسته جمعی تشکیل شده باشد.^{۳۳}

جامعه کیبوتص مسئول جلب رضایت و تأمین احتیاجات افراد است. یعنی از هر فردی به اندازه قدرت و استطاعت او گرفته می‌شود و به هر فردی به میزان احتیاجاتش داده می‌شود. در کیبوتص به هیچ یک از افراد حق تملک یا فعالیت فردی و شخصی داده نمی‌شود. این اصل

1. Paternalistic Central Management

علاوه بر موارد مربوط به امور اقتصادی کیبوتص، شامل کلیه موارد دیگر از قبیل امور فرهنگی، تعلیم و تربیت و امور اجتماعی نیز می‌شود.

عوامل مؤثر در پیدایش کیبوتص

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شرایط ویژه‌ای یهودیان جهان را به سرزمین فلسطین کشانید و آنها از هر کشوری که به این سرزمین قدم می‌گذاشتند با خود فرهنگ و تمدن و یا تحولات اجتماعی خاص خود را به همراه می‌آوردند. یهودیان مهاجر قبل از رسیدن به سرزمین فلسطین با کارهای تولیدی اساسی سر و کار نداشتند و هنگامی که به سرزمین نیمه فئودالی فلسطین آن روز رسیدند لازم بود به حل چند مشکل پیش رو بپردازند. از جمله این مشکلات، برعهده گرفتن کارها و هماهنگ ساختن آن با نیروی جسمانیشان بود، که در خارج از فلسطین از آن استفاده نمی‌شد. اکثر آنها مردمانی از دنیای متمدن (اروپا) بودند که با شرایط کار سخت چندان آشنایی نداشتند و به ناچار کار را به صورت قراردادهای کوچک در باغ‌های پرتقال و شخم صحاری دیگران بدست می‌آوردند و این همان نطفه کیبوتص است که قبل از تشکیل آن وجود داشته است. گروه‌های کنتراتی قبل از اینکه مزرعه‌ای بنا کنند، مزد کار و مصرف خود را مشترک کردند تا بتوانند در شرایط فلسطین آن روزگار زندگی کنند. تجربیاتی که از آن دوران بدست آمد این بود که دهاتی به صورت دهات معمول جهان در فلسطین ایجاد شود ولی افرادی که به طرف این دهات رفتند نتوانستند مدت زیادی زندگی کنند، زیرا سرمایه‌گذاری‌های خصوصی پس از مدت کوتاهی از بین رفت و از آنجایی که آن افراد تجربه کافی نداشتند نتوانستند به زندگیشان ادامه دهند، دهات را ترک کردند و حتی عده‌ای از کل سرزمین فلسطین خارج شدند. کشاورزی پیشاهنگان در آن سرزمین زمانی توسعه یافت که مردم با هم واحدهای اشتراکی ایجاد کردند تا بتوانند در مقابل شرایط سخت ایستادگی کنند. طی این سالها کشاورزی به صورت انفرادی موفقیتی کسب نکرد و برعکس کشاورزی اشتراکی و به شکل کیبوتص توسعه یافت.

علاوه بر مشکلات مذکور، از مهمترین دلایل روی آوردن به سیستم اقتصادی

اشتراکی - تعاونی مسأله امنیت بود. ساختار جامعه یهود به گونه‌ای بود که هر چه مهاجرت و اسکان افزایش می‌یافت، مشکلات امنیتی ناشی از ناخرسندی ساکنین عرب افزون‌تر می‌شد. از این رو سیستم اقتصاد اشتراکی و یک زندگی اجتماعی به معنای واقعی کلمه، اجتناب‌ناپذیر بود.

کارکرد تعاونی‌ها

یکی از کارکردهای مهم تعاونی‌ها در سرزمین‌های اشغالی، هویت بخشی به هویت‌های گوناگون و متفاوت مهاجرین بود. در تعاونی‌ها هر کس می‌تواند از هر حیث به آینده خود امیدوار باشد و هیچ نگرانی به خود راه ندهد زیرا کلیه افراد وابسته به این کانون فAMILI به تعقیب یک هدف می‌پردازند و آن شعار همه چیز برای همه است. عضو یا اعضای تعاونی‌ها که طالب رفاه و سعادت زندگی فردی خود باشند، تردیدی ندارند که افزایش میزان تولید و فعالیت‌های ثمربخش در تعاونی و درآمدی که تعاونی در سایه تلاش و کوشش اعضای خود کسب می‌کند، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم متوجه سعادت و آسایش زندگی فردی و اجتماعی افراد و اعضای آن می‌شود و از آنجا که هر عضوی خود و زندگی خویش را از دیگر افراد تعاونی منفک نمی‌دانند و وظیفه مهم را در مقابل خود مشاهده می‌کنند: الف. وظیفه اجتماعی، که عبارت است از تأمین رفاه عموم افراد در سایه تلاش و کوشش همگان ب. انجام بی‌دریغ وظیفه فردی به امید سربلندی و ترقی سازمانی که عضویت آنرا پذیرفته است. لذا هر عضوی تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا به هر نحو که شده به افزایش درآمد خود و تعاونی کمک کند. بنابراین پیشگامانی که اندیشه‌های ایده‌آلیستی و یوتوپیایی داشتند، آرزوی تشکیل جامعه‌ای جدید و عادلانه داشتند. آنچه این پیشگامان در مورد آن اتفاق نظر داشتند عبارت بودند از: ۱. تشریک مساعی مبتنی بر عواطف برادری به عنوان یک اصل در روابط اجتماعی؛ ۲. نیازهای اسراییل و جنبش صهیونیستی به مثابه تنها معیار قضاوت. به عبارت دیگر این نیازها، جهت دهنده عمل افراد به‌شمار می‌آیند، به‌گونه‌ای که آنها زندگی برای خود را فدای زندگی برای گروه می‌کنند. لذا برخی از همین پیشگامان، کیبوتص را براساس اصول همکاری جمعی و فعالیت اشتراکی به وجود آوردند و شعار آنها «از هر کس به اندازه توانایی‌اش؛ برای هر کس براساس نیازش» بود.^{۳۴} آنها معتقد بودند که

کیبوتص به عنوان یک تعاونی با از بین بردن مالکیت خصوصی و کارگر مزدبگیر باعث از بین بردن طبقات اجتماعی خواهد شد.

امروزه دیگر کیبوتص مانند گذشته عمل نمی‌کند. زندگی کاملاً اشتراکی گذشته، جایش را به سیستمی داده که سلیقه‌های اعضا را در نظر گرفته و امتیازاتی برای سن و قدمت سکونت قائل می‌شود. تأمین هر چه بیشتر احتیاجات افراد، اهدای حقوق شخصی و رونق وسائل آسایش در غالب مزارع، کیبوتص را از شکل اجتماع منزوی دوران اولیه اش خارج کرده است. در موارد بسیاری، منافع اقتصادی کیبوتص را مجبور می‌سازد که برای دستیابی به سطح زندگی بالاتر، اصل عدم استخدام کارگر مزد بگیر را زیر پا بگذارد.

موشاو

موشاو نوعی آبادی کشاورزی و تعاونی است که هواداران آن می‌خواهند طبق اصول اساسی زمین ملی، تعاونی، کمک متقابل و کار شخصی زندگی کنند، بدون آنکه لطمه‌ای به استعداد و ابتکار شخصی در توسعه مزرعه و آزادی اداره خانواده وارد کنند.

قبل از تأسیس اولین موشاو در اسرائیل در سال ۱۹۲۱، دو نوع آبادی کشاورزی در این منطقه وجود داشت: یکی کیبوتص و دیگر موشاو. کیبوتص همان‌گونه که توضیح داده شد یک آبادی براساس اصول تعاونی بود، ولی موشاو نوعی مزرعه داری است که چندان هم پای‌بند به اصول تعاونی نیست.^{۳۵}

موشاو سکونتگاه‌های اولیه یهودیان است که از نظر ساختار به روستاهای غله خیز اروپای شرقی شباهت داشت. در این سکونتگاه‌ها به تقلید از روستاهای عرب‌نشین به هر کشاورز قطعه زمینی برای کشت محصولی خاص داده می‌شد و بدین ترتیب مالکیت در آن خصوصی بود و کمتر از سیستم مشاعی استفاده می‌شد. موشاواها در مقام عمل چندان موفق نبوده‌اند و تنها از طریق حمایت میلیونرهای یهودی توانسته‌اند به حیانتشان استمرار بخشند. با آمدن کیبوتص‌ها تا حدود زیادی حیطة عملکرد این مجامع محدود و منسوخ شده است.^{۳۶}

پس از یشوف و کیبوتص، نوع سوم الگوی اقتصادی در اسرائیل، موشاو نام دارد. ایجاد موشاوها در اسرائیل تابع همان شرایطی بود که باعث ایجاد کیبوتص‌ها شد. به عبارت دیگر همان عواملی که

برای ایجاد کیبوتص و توسعه آن وجود داشت، به نحو دیگری در مورد موشاو هم صدق می‌کند. زیرا از زمان تأسیس اولین کیبوتص موسوم به دگانیا در سال ۱۹۱۱ تا تأسیس اولین موشاو به نام نهلال، فقط ۱۰ سال فاصله وجود داشت. موشاو نهلال به صورت موشاو اودیم در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد. تأسیس این گونه مزارع کشاورزی ریشه در تمایلات مهاجران دوره سوم و چهارم (۱۹۳۱-۱۹۱۹) دارد. از آنجا که این مهاجران عموماً از عناصر پیشتاز و علاقمند به شهرنشینی بودند، با کیبوتص‌ها چندان موافق نبودند. لذا براساس طرحی که در سال ۱۹۱۹ ارائه شد ضمن حفظ روحیه حاکم بر دو الگوی قبلی، در محلی به نام ده جزراییل اولین موشاو را تأسیس کردند.^{۳۷}

پیشاهنگانی که قبل و بعد از تأسیس دولت اسرائیل به اسرائیل مهاجرت کردند، بدین وسیله می‌خواستند برای عمران و آبادی کشور فعالیت کنند، ولی محیط کیبوتص‌ها مورد توجهشان واقع نشد و اصولاً آنها نمی‌توانستند به ترتیبی که کیبوتص‌ها اداره می‌شد و می‌شوند زندگی کنند و خود را بدان عادت دهند. از طرف دیگر چون بسیاری از قسمت‌های اسرائیل محتاج به آبادانی بود و کیبوتص‌ها برای آبادانی آن مناطق افراد و اعضای نداشتند، ناچار از وجود موشاوها استفاده کردند و اشخاصی که روی اصول انفرادی با تشریک مساعی و تعاون کار خود را بنا نمودند، این خلأ را پر کردند.

نتیجه‌گیری

تعاون در اسرائیل زاینده شرایط و واقعیات فرهنگ اجتماعی مهاجرین و شرایط محیطی بود. تعاون علاوه بر تأمین احتیاجات اولیه یهودیان چه قبل و چه بعد از تأسیس دولت، عامل مهمی در ایجاد هویت جمعی و هویت ناشی از ایجاد هدف مشترک بوده‌است. مهاجرینی که فرهنگ‌های محل سکونتشان را به همراه داشتند، براساس آموزه‌های صهیونیسم، یک ملت واحد بودند، اما واقعیت غیر از این بود. مهاجرین به لحاظ مذهب یهود یکسان بودند ولی به لحاظ فرهنگی، ناهمگون و نامتجانس بودند. تعاون و اشتراک در فعالیت‌ها و تعریف هدف مشترک براساس تعاون، می‌توانست هویت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را در کنار هم قرار دهد و آنها را نسبت به زندگی و آینده امیدوار سازد. تعاون ضمن انسجام بخشیدن به یهودیان، دغدغه‌های تازه واردان از جمله اسکان و اشتغال و امنیت آنها را نیز تأمین می‌کرد. لذا خدمات تعاونی تنها به رفع نیازمندی‌های روزانه محدود نشد بلکه به عنوان ابزاری برای ارتقاء

اطلاعات و معلومات اجتماعی، سطح فرهنگ جامعه و تحکیم و تقویت توان مادی عمل می‌کرد. اگر چه تعاون به عنوان شیوه‌ای طبیعی و عاقلانه برای رفع احتیاجات مهاجرین، به نظر می‌رسد ولی نکته قابل توجه این است که تعاونی‌هایی که در ابتدا تشکیل شده بودند با موفقیت همراه نبودند، به طوری که اگر کمک‌های بارون روچیلد و سازمان‌های صهیونیستی نبود امکان موفقیت و توسعه آنها بسیار کم بود. به عنوان مثال تعاونی‌هایی که در سال ۱۹۰۶ میلادی بوجود آمدند، همگی از وام بانک فلسطین و انگلیس استفاده کردند.

اسکان‌های اشتراکی کیبوتص و موشاو ضمن بوجود آوردن سیستم متمرکز اقتصادی، یک ساختار سیاسی متمرکز و داوطلبانه و وابسته به صهیونیسم را ایجاد کرد. زمینی که در اختیار کیبوتص و موشاو قرار داده می‌شد، از طرف سازمان جهانی صهیونیسم بود، ضمن اینکه کمک‌های سازمان جهان صهیونیسم به این اسکان‌ها باعث می‌شد که اعضا به صورت خودکار، به عضویت نهضت صهیونیسم در آیند و در نتیجه ایدئولوژی صهیونیسم مورد پذیرش آنها قرار می‌گرفت. از این رو ایجاد یک سیستم سیاسی- اقتصادی متمرکز به رهبری سازمان جهانی صهیونیسم بریشوف حکمفرما می‌شود و این میراث در نهایت به دولت اسرائیل نیز منتقل می‌شود.

بعد از تأسیس اسرائیل، علاقه به زندگی اشتراکی و مبتنی بر تعاونی کاهش یافته است. با پیشرفت و توسعه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فراهم شدن امکانات جدید، زندگی در تعاونی‌های مانند کیبوتص برای جوانان خوشایند نیست. به رغم این مسائل کیبوتص همچنان نقش مهمی را در اقتصاد اسرائیل ایفا می‌کند. گرویدن کیبوتص به بخش صنعت برای رفع مشکلات مذکور است؛ ضمن اینکه صنایع نسبت به کشاورزی، سودآوری بیشتری برای کیبوتص دارد.

امروزه دیگر کیبوتص مانند گذشته عمل نمی‌کند. زندگی کاملاً اشتراکی گذشته، جایش را به سیستمی داده که سلیقه‌های اعضا را در نظر گرفته و امتیازاتی برای سن و قدمتشان قائل می‌شود. تأمین هر چه بیشتر احتیاجات افراد، اهداء حقوق شخصی و رسوخ و وسائل آسایش در غالب مزارع، کیبوتص را از شکل اجتماع منزوی دوران اولیه‌اش خارج کرده است. در موارد بسیار منافع اقتصادی، کیبوتص را مجبور می‌سازد برای دستیابی به سطح زندگی بالاتر، اصل عدم استخدام کارگر مزدبگیر را زیر پا بگذارد.

منابع و یادداشت ها

۱. موريس كونيپينكي، تعاون در روستاهای اسرائیل، ترجمه: وحید ادبی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۹، ص ۱۴.

۲. همان.

۳. عبدالوهاب کیالی، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه: محمد جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۳۴.

۴. بیلو BILU حروف اول این جمله اشعیاى نبی است به یهودیان که: ای خاندان یعقوب بیاید تا در نور خدا سلوک نماییم.

۵. یدیش (Yiddish) زبان یهودیان اروپای مرکزی بود که هر چند کلمات عبری بسیار دارد ولی به زبان آلمانی نزدیکتر است.

۶. عبدالوهاب کیالی، همان، ص ۳۵.

7. Misha Louvish, Aliyah (1880- 1939), *Immigration & settlement, Jerusalem: keter publishing House, 1973, P. 13.*

۸. به دنبال ترور الکساندر دوم روسیه به سال ۱۸۸۱ و متعاقب آن کشتار یهودیان در این کشور، جنبش صهیونیستی «دوستداران صهیون» شکل گرفت. این جنبش از اولین جنبش‌هایی بود که یهودیان را با صهیونیسم، پیوند می‌داد.

9. Michael wolffsohn, *Israel: polity, society and economy* (1882- 1986), Translated by Douglas Bokovoy, u. s: Humanities press Atlantic Highland, 1991, p. 119.

۱۰. زرژ لِنچافسکی، تاریخ خاورمیانه، ترجمه هادی جزایری، تهران: مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۷، ص ۳۲۱.

۱۱. ژوزف باراتس، دهکده ای در کنار اردن: داستان دگانیا، ترجمه حسین سالکی، تهران: چاپ اطلاعات، ۱۳۴۲، ص ۲۱.

۱۲. حسین رهجو، واژه نامه اجتماعی، سیاسی اسلامی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۵۸، ص ۱۴۷.

۱۳. الیاس شوفانی، سازمان صهیونیستی، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران: دوره عالی جنگ، ۱۳۷۹، صص ۸- ۸۷.

14. *Immigration & settlement, opcit. pp. 112- 116.*

۱۵. نصرالله آشتی، اسرائیل: ساخت سیاسی اقتصادی اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، ۱۳۵۲، دانشگاه ملی ایران، ص ۳۰.

16. Yossi Ben- Artzi, "kibbutz or Moshav? Priority Changes of Settlement Types in Israel", 1949- 53, *Israel Affairs*, Autumn/ winter, vol. 8, No. 1&2, 2002, P. 168.

۱۷. کرن هایسود در سال ۱۹۲۰ ایجاد گردید (صندوق ایجاد فلسطین). این مؤسسه ارگان مالی مرکزی آژانس یهود است و به مهاجرین کمک می کند تا در اسرائیل مستقر شوند. منابع مالی این صندوق را یهودیان جهان تأمین می کردند.

۱۸. موريس كونوپينكى، همان، صص ۱۵-۲۱۴.
۱۹. مارسل رحيمي، *مقررات اقتصاد اجتماعي در اسرائيل*، تهران: بانک بیمه بازرگانان، ۱۳۴۳، ص ۱۴۵.
۲۰. مارسل رحيمي، همان، ص ۱۴۶.
۲۱. ماپای حروف اول عبارت عبری نام حزب کارگران سرزمین اسرائیل است.
۲۲. آژانس یهود سازمانی بود در سطح جهانی که کارهای مختلف از جمله جمع‌آوری کمک به یهودیان را انجام می‌داد. در خود فلسطین این آژانس وظایفی در حد وظایف یک نیمه دولت بعهدہ گرفته بود.
۲۳. صبری گری، *اعراب در اسرائيل*، تهران: انتشارات مجموعه کرامه، ص ۱۸۱.
۲۴. ماکسیسم رودنسون وایزاک دویچر، *درباره فلسطین*، ترجمه: منوچهر هزار خانی، تهران: انتشارات قوس، ۱۳۴۸، ص ۷۰.
۲۵. موريس كونوپينكى، همان، ص ۷۳.
۲۶. حسين سالكي، *نهیضت تعاونی در اسرائيل*، تهران: چاپ اطلاعات، ۱۳۴۲، ص ۹.
۲۷. همان، ص ۱۰.
۲۸. موريس كونوپينكى، همان، ص ۸۱.
۲۹. همان.
۳۰. حسين سالكي، همان، صص ۹۱-۹۰.
۳۱. همان، ص ۴۳.
۳۲. مارسل رحيمي، *مقررات اقتصاد اجتماعي در اسرائيل*، تهران: بانک بیمه بازرگانان، ۱۳۴۳، ص ۲۱۴.
۳۳. داوید کاتاریواس، *اسرائیل*، ترجمه: منوچهر ساچمه‌چی، تهران: چاپ اکونومیست، ۱۳۳۸، ص ۲۳.
34. Yair Aharoni, *The Israel Economy: Dreams and Realities*, London and New York: Routledg, 1991, P. 149.
- 35- Yossi Ben- Artzi, *opcit.* P. 165.
۳۶. اصغر افتخاری، همان، ص ۳۸.
۳۷. عباس شاهنده، *سفری به اسرائيل*، تهران: انتشارات روزنامه سیاسی فرمان، ۱۳۳۳، صص ۵۷-۵۶.